

تحقیقی در اسامی شجره نامه پادشاهان هیکسوسی (پادشاهان شبان) مصر باستان

نگارنده باید اذعان نماید این نخستین بررسی تطبیقی عمومی شجره نامه پادشاهان هیکسوسی از سوی این جانب است قبلاً از میان این اسامی تنها نام آخرین فرعون هیکسوسی مصر را که با رعایایش به سوی فلسطین پس رانده شده است یعنی کاموسه (روح همزاد ایزد میثه) را به عنوان همان موسی کلیم الله تاریخی شناسایی نموده بودم. هیکسوسهایی که حدوداً یک قرن ونیم (در بین سالهای ۱۷۶۰ تا ۱۵۵۰ پیش از میلاد) مصر سفلی را به تصرف خود در آورده بودند. حال تلاشی روی رد پای پادشاهان دیگر پادشاهان میتانی/هیکسوسی در تواریخ اساطیری خواهم کرد، چه به گواهی تورات و همچنین وجود همین نام موسه/میثه (میثه) در ترکیب نام آخرین پادشاه هیکسوسی و پادشاهان مصری بعد از هیکسوسها وجود قبایل میتانی و همراهان هوریائی ایشان در ترکیب اتحادیه قبایل هیکسوس مسلم است گرچه عناوین رسمی ایشان در شجره نامه هیکسوسها مرکب از اسامی سامی کنعانی و قبطی ایشان است. از نامهای اساطیری توراتی عمران، موسی، هارون، مریم لا اقل سه قبیله میتانیان میثه/میثره پرست، هوریان و مردم سامی ماری (که در مقابل تهاجم حمورابی پادشاه معروف بابلی به شهر و سرزمینشان ماری در کنار شمال غربی و ویرانی شهر بسیار پیشرفته ایشان به سمت فلسطین پناه آورده بود) به سادگی قابل شناسایی می باشند. نظر به نامها و گفتار های اساطیری تورات گفته میشود که عبرانیان و فینیقیان (کنعانیان) در ترکیب هیکسوسها سهیم بوده اند. از آنجاییکه مسیر مهاجرتی که برای ابراهیم از بین النهرین و شهر اور به مصر و سرانجام و عودت و اسکان در فلسطین تصویر گردیده؛ لذا برای شناسایی این ابراهیم رهبر گروهی از سفر کردگان فراری به سوی مصر باید قبایل ولایات بزرگی را که حمورابی در هنگام تصرف و ویرانی مراکز دولتی این سرزمینها مجبور به گریز و کوچ نموده باید شناسایی نمود: از خود پادشاهان معروف پیش از سقوط ماری (حدود ۱۷۶۱ پیش از میلاد) چهار نام ایگید لیم، یحدون لیم، یسمه عداد و زیمری لیم (در عهد سقوط) از سلاله سرزمین اشنونه (بین بغداد و خانقین) نیز درست در همان سال به دست حمورابی سقوط کرده لذا نام پادشاهان معروف آنجا یعنی ایبال پی ال اول، ایبیک عداد دوم، نرام سین، دودوشه، ایبال پی ال دوم (در عهد سقوط) را نیز مد نظر قرار می دهیم: همین نام آخری که در زبانهای سامی کهن آن را می توان "دارای وارث فدیه شده و نجات داده خدا" به وضوح میگوید که همین پادشاه شهر و دیار بابلی اشنونه (به معنی شهر دور درخشانده که مترادف نام شهر اور تورات است که مسکن اولیه ابراهیم به شمار رفته، ویرانه های تل اسمر حالیه) همان ابراهیم اساطیری فدیه کننده فرزند سرانجام نجات یابنده است که خود یا مردم آواره اش در حرکت رانده شدگان هیکسوسی به سمت مصر شرکت جسته است. جالب است که نام آخرین فرمانروای ماری یعنی زیمری لیم (کامل) را هم در در اساطیر توراتی و قرآنی متعلق به هیکسوسها (حاکمان خارجی) را به صورت سامری (تماشاگر کوهستان) مشاهده می نمایم. موضوع اختلاف قرآن و تورات در نام پدر ابراهیم یعنی تارح و آزر نیز در رابطه با نام سلف ایبال پی ال دوم (ابراهیم/ابرام تاریخی) قابل حل است. چه هر دوی نامهای آزر (آ ذر) و تارح (تاره) در زبانهای کهن ایرانی که پیش از اسلام زبان سیاسی و دینی مهم منطقه خاورمیانه بوده اند، به معانی آتش و پدر می باشند و کلمه اوستایی ددوش (صرف نظر از منشأ سامی آن به معنی عمو او) خود بدین صورت معانی آفریننده، پدر و خالق پدر روشنایی (آذر، آتش) را می داده است. ظاهراً این نام اصلی همان فردی است که کاهن مصری مانئو او را تحت نام دودموسه به عنوان فرعون مصر معرفی نموده و از عصر وی به بعد را عهد نزول بلای خدا بیان کرده است. لذا تلاش بی جهتی نموده اند که تا این نام را با جهوتیره از فراغنه سلاله ۱۳ مربوط سازند. جالب است که روایات اسلامی خود آزر را گاهی عموی ابراهیم و گاهی پدر او به حساب آورده اند. به نظر می رسد موضوع سه شوشیانت (منجی و سود رسان مردمان ستمدیده روی زمین) در پایان هزاره های زرتشتی و منجی توراتی کهن حیمدا (به زبانهای اوستایی و سانسکریتی یعنی شادبخواه، لابد اعراب آن را با نامهای محمد و احمد ربط میداده اند) از نام و نشانهای همین سه پادشاه هیکسوسی سلاله ۱۵ مصر گرفته شده اند. مسلماً با ورود قبایل هیکسوس قید و بندهای نظام برده داری در مصر سفلی از هم گسیخته بوده و مردم تحت ستم منطقه این سه پادشاه هیکسوسی را به چشم منجیان موعود خویش دیده و نام و نشان ایشان را به عنوان منجیان موعود به نسلهای آینده خویش سپرده اند. ولی در ادامه حکومت هیکسوسها نظام ستمگرانه برده داری به تدریج در مصر سفلی معاونت نموده و حکومت هیکسوسها پایگاه مردمی خود در میان طبقات زحمت کش جامعه مصری را از دست داده است. جالب است که نام خیان یعنی دومین پادشاه هیکسوسی در زبان سانسکریت (زبان میتانی ها و آریائیان هندو) به معنی سوار یعنی مترادف سوشیانت در زبان آرامی است.

در شجره نامه فراغنه مصر که آخرینشان یعنی کاموسه همان موسی کلیم الله است اسامی مختلف پادشاهان هیکسوسی به قرار زیر آمده است؛ نگارنده در حال حاضر سوای اینها وجود نام معروف یوسف (فرزند تأسف انگیز) چوپان جوان تراژدی معروف تورات را در نام سالاتیس نخستین پادشاه معروف هیکسوسی (بیگانه) در مصر بوده و نامش در زبانهای سامی به معانی به محنت افتاده

دوردستها و همچنین دارنده **بزکوهی** یا **بز بزرگ** یا **چوپان بزرگ** است، به روشنی ملاحظه می نماید. بی جهت نیست تاج زرین ملکه های هیکسوسی را تندیسهای بزبان کوهی تشکیل داده اند. لابد با توجه به همین معنی دوم نام این پادشاه یا وجود خود قبیله اسب پروران میتانی بوده که بعداً هیکسوسها را **پادشاهان شبان** نامیده اند. جالب است که نام شاه/فرعون مقدم یا متأخر بر سالاتیس را **یعقوب** بر (فرزند مرد کشتی گیر و نیرومند) قید نموده اند که به وضوح مأخذ و منشأ نام **یعقوب** تورات یعنی پدر یوسف کنعانی مصر می باشد. مسلم به نظر می رسد که ابراهیم به جای **ایبال پی ال اول** هم قرار گرفته چه نام پسر و جانشین کشورگشای این شاه سر سلسله اشوننه یعنی **ایبیک** **عداد** دوم (فرزند باز یافته توسط **عداد** خدای جنگ و رعد که برایش کودک قربانی میشده) به نام و نشان **ایشاک** تورات یعنی صورت عبری نام **اسحق** (شاد) پسر ابراهیم/ابرام بسیار شبیه می باشد. براین اساس نام **ناحور** تورات (به زبان آرامی یعنی **مئور**) در مقام جد ابراهیم مطابق با **نرام سین** یعنی محبوب **ایزد ماه** در سلاله شاهان اشوننه بوده است. جالب است که نام **اشوننه** (پرستنده درختنده" دور دست" = عبری، ابرامی یا سرور ماه) و نام **ایزد مصری جهوتی** (منشأ نام یهوه و یهود) هر دو مترادف هم نشانگر ماه پرستی یهودیان می باشند. به نظر میرسد حمله حمورابی به اشوننه باعث مهاجرت بزرگ یهود به سوی شرق و غرب شده است. در ارمنستان هم ماه پرستی رواج داشته و نامهای اورارتو و آرما را می توان **سرزمین ایزد ماه** به شمار آورد ولی این مردم از تبار سامی نبوده اند. اما جالب است که در نام سامی اورارتو کلمه اور مترادف با **اشوننا** (اش-نانا) به معنی شهر **سرور ماه** است. سه نام مربوط به تثلیث برادران **ابراهیم شیخ الانبیاء** و **ناحور** (داغ) و **هاران** (راه) مربوط به سه پادشاه اشونناکی قدیمتر در سده اول هزاره دوم پیش از میلاد یعنی به ترتیب **بیلامه** (پیر علما)، **نور اهوم** (دارای نور گدازنده= **آذر- شداد**) و **عبدی** (بنده راه و طریقت) می باشند. **بیلامه** جانشین **نوراهوم** به عقیده برخی از دانشمندان مصنف مجموعه قوانینی به زبان اکدی است که دو قرن پیش از عهد حمورابی تدوین شده، ولی نکات مشترک بسیاری با آن دارد. پس ابراهیم شیخ الانبیاء در قرآن به درستی خلف آزر (آذر) ذکر شده است. فرمانروایان اشوننه خود را خادمان **تیشبیک** (رب النوع توفان و رعد) به شمار آورده اند و ضمناً معابد خود را به **نینازو** (ایزد دارو و درمان) و همچنین **ایزد ماه** (نانا) که پدر ایزد رعد به شمار می رفته، اختصاص داده بودند. نام **تیشبیک** در تورات به صورت **ایلیای تشبی** (در اصل یعنی خدای طوفان و رعد) به صورت یکی از انبیای معروف برجای مانده و یکی از اسفار تورات به وی اختصاص یافته است. نام پدر توراتی ابراهیم یعنی تارح ایزد توفان و رعد نیز متعلق به همین ایزد خاص این سرزمین است.

2nd PERIOD

INTERMEDIATE 1640-1532

| | | | | |
|----------------------|--|----|-----|------------------|
| 15th Salitis; | | | | (Hyksos). |
| Khian | | | | Sheshi; |
| Apophis | | c. | | (Swoserenne') |
| ('Awoserre' | | | and | 1585-1542 |
| Khamudi | | c. | | others) |
| | | | | 1542-1532 |

| | | | | |
|-------------|--------|-----|---------|----------------|
| 16th | | | | Dynasty |
| Minor | Hyksos | | rulers, | contemp- |
| orary | with | the | 15th | Dynasty |

| | | | | |
|-------------|----------------|-------------|----|-------------|
| 17th | Dynasty | 1640 | - | 1550 |
| Numerous | | Theban | | kings; |
| numbers | give | positions | in | the |
| complete | | | | list |
| Inyotef | | V | | c.1640-1635 |

| | | | |
|----------------------|-----|------------|------------------------|
| (Nubkheperre') | | | 1 |
| Sebekemzaf | | I | (Sekhemre'-Nebireyeraw |
| wadjkha'u) | | 3; | |
| (Swadjenre') | 6; | Sebekamzaf | II |
| (Sekhemre'-shedtawy) | | 10; | Ta'o |
| (or Djehuti'o) | | I | (Senakhtenre') |
| Ta'o | (or | Djehuti'o) | II |
| (Seqenenre') | | | 14 |
| Kamose | | | c.1555-1550 |
| (Wadjkheperre') | 15 | | |

فهرست پادشاهان اشنونه با اطلاعاتی مربوط بدانها از سایت پادشاهی بین النهرین، اشنونه به عینه نقل میشود جالب است که در شمار پادشاهان آنجا نام دیگری هم تحت نام سیلی سین که مرکب از نام سین (به معنی تجلیل شده "ایزد ماه= یهوه") می باشد، دیده میشود و جالبتر اینکه نامهای سه گانه مربوط به فرمانروایان اشنونه (=شهر بهشتی صلح ابدی، ادن اصلی تورات) یعنی ایتوریا (کوهستانی، نگهبان) که بانی معبد به شمار آمده، شولجیا (دست نشاندۀ خدا) و ایلشو ایلیا (دارای صلح خدایگانی) به ترتیب با پادشاهان اساطیری معروف عبرانیا یعنی داود (عزیز) ، شانول (ترفیع یافته از سوی خداوند) و سلیمان (مرد صلح) مطابقت دارند. خود نام اشنونه را همچنین می توان در زبان عبری به معنی مردم در کنار حرکت کننده یا در کنار زندگی کننده یعنی مترادف خود نام عبرانیان گرفت. لابد بر همین پایه بوده که ایرانیان باستان قسمت غربی ولایت اشنونه را بعداً پارسوا یعنی ناحیه کناری می نامیده اند. بهشت ادن (عدن) تورات هم به گواهی تورات همین ناحیه کنار رود دجله بوده که سومریان و اکدیان ایدیگنا (رود باغ بهشتی) می نامیده اند:

| CITY STATE OF ESHNUNNA | | |
|--|---|---|
| The minor city of Eshnunna (modern Tell Asmar) was situated in the Diyala Valley to the north-east of Sumer itself, but it was still very much a part of Sumerian culture and civilisation. Occupied from <i>circa</i> 2900 BC, it was never a significant power during Sumerian times, but in the period of Ur's Third Dynasty it was a well-attested city and capital of one of Ur's provinces with the same name. As Ur headed towards collapse, the city (which is not mentioned in the king list) gained an independent dynasty of its own. Its kings, some of whom bore Elamite names, may even have been united with Assyria for a time, and were a threat to later Babylonian hegemony. Although information on the kingdom is sparse, a historical framework for Amorite Eshnunna can be pieced together from building inscriptions, year dates, letters, and seal inscriptions both from Eshnunna and elsewhere. There were apparently twenty-eight kings between 2065 - 1762 BC although six are missing from this list. | | |
| fl c.2030 BC | Ituria | Governor? under Ur . |
| | Ituria, a city leader, builds a temple for his divine overlord, Shu-Sin of Ur . Soon afterwards a palace is attached to this. | |
| fl c.2026 BC | Shu-ilija / Ilshu-Ilia | Son. Claimed the independent kingship of the city. |
| c.2026 BC | Eshnunna breaks away from the control of Ur during the second year of Ibbi-Sin's reign. Shu-ilija maintains good relationships with Ishbi-Erra of Isin as does his successor. However, the succeeding kings drop the title of king to use the lesser one of 'énsi' (governor) or 'ishshakum' insisting that the kingship of the state belongs to the city's god, Tishpak. | |
| fl c.2010 BC | Nurahum / Nur-Akhum | Received help from Isin to win a battle against Subartu. |
| | Kirikiri | Bore an Elamite name. |
| | Bilalama | Bore an Elamite name. |

| | | |
|---------------------|---|---|
| | Eshnunna appears to maintain close contacts with Elam, although it seems not to have been conquered by the Elamites. | |
| | Ishar-Ramashshu | |
| fl to c.1940 BC | Usurawassu / Usur-Awasu | |
| | The city is sacked during the time of Usurawassu, possibly by Anum-muttabbil of Der, and may be temporarily subject to that city. Little is known about the subsequent nine rulers. | |
| | Abimadar | Not on all lists. |
| | Azuzum | |
| | Urninmar / Ur-Ninmar / Ur-Ninkimara | |
| | Urningishzida / Ur-Ningizzida | |
| | Ipiqadad I / Ibiq-Adad I | |
| | Abdi-Erah | |
| | Shiqlanum | |
| fl bef c.1895 BC | Sharrija / Sharria | |
| | Belakum / Belakim | |
| | Warassa | |
| fl c.1870 BC | Ibalpiel I | Reigned for at least ten years (from a seal impression). |
| | http://www.historyfiles.co.uk/FeaturesMidEast/MesopotamiaMap.htm Eshnunna seems to flourish again, perhaps due to the decline of Isin and Larsa from the middle of the century. Ibalpiel re-adopts the title of king, perhaps in recognition of the fact that there is no longer a single 'kingship of Sumer and Akkad' to which to defer. | |
| c.1862 - 1818 BC | Ipiqadad II / Ibiq-Adad II | Son. Assumed divine status - practice copied by all successors. |
| | Ipiqadad pursues an expansionist policy. The previously independent minor cities of Nerebtum (modern Ishcali), Shaduppum (Tell Harmal), and Dur-Rimush (location unknown) are all incorporated into the state. | |
| fl c.1830 - 1815 BC | Naramsin / Naram-Sin | Son. Also king of Assyria, probably by conquest. |
| | Naramsin extends Eshnunna's territory considerably into northern Babylonia at a time when the small kingdom based at Babylon can do little more than defend its own walls, and apparently also temporarily conquers the Assyrians at Ashur, as well as the small state of Ekallatum. | |
| | Dannum-tahaz | Son? May have ruled briefly after Ibalpiel II. |
| c.1808 - 1780 BC | Dadusha | Son of Ipiqadad II. |
| c.1780 BC | The kingdom of Upper Mesopotamia turns on its recent ally and seizes Nerebtum and Shaduppum, although these and more are quickly taken back upon the death of Shamshi-Adad in 1766 BC. | |
| c.1779 - 1765 BC | Ibalpiel II / Ibal-pi-EI II | Son or grandson. One of the major leaders of this period. |
| c.1776 BC | The kingdom of Upper Mesopotamia is attacked simultaneously by Yamkhad and Eshnunna, leading to its disappearance and a general restoration of the old order. | |

| | | |
|------------------|--|--|
| c.1766 BC | Eshnunna troops take part in the siege of Razama by Atamrum of Andarig, but Ibalpiel hurries to assist Razama, collecting troops and a battering ram from his governor in Qattunan on the way. The Razamans manage to repel Atamrum before he arrives, so he returns home. | |
| c.1764 - 1762 BC | Silli-Sin | |
| c.1764 BC | Eshnunna had been forming ties with Mari in the face of Babylon's growing power, but as part of a coalition which attempts to invade Babylonia the city is defeated and crushed by Hammurabi. | |
| c.1762 BC | The Babylonian Empire captures the only remaining political power to oppose them when they take Eshnunna, inheriting well-established trade routes and economic stability, and ending 250 years of Eshnunna's independence. | |
| c.1756 BC | There is evidence that just four years after its supposed capture, the entire town is ravaged by a terrible flood. After that, the city only rarely appears in cuneiform textual sources, reflecting a probable decline and eventual disappearance. | |
| | Iqishi-Tishpak | Descendant of Naramsin? Vassal of Babylon? |
| ? - c.1736? BC | Anni | Killed in Babylon. |
| c.1741 - 1736 BC | One of Eshnunna's last notable acts is to side with Rim-Sin II of Larsa in his revolt against the Babylonian Empire. Anni is captured by the Babylonians and is strangled. The city is destroyed. | |

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>